

اعجاز اخلاقی قرآن

نرجس اخلاقی*

اسماء پناهی**

چکیده

قرآن کریم، دربردارنده معارف والا و ژرفی است که می‌توان اعجاز را در ابعاد مختلف آن از جمله بیانی، علمی، اقتصادی و... بیان کرد. یکی از ابعاد اعجاز قرآن، اعجاز اخلاقی قرآن می‌باشد. این نوشتار در پی آن است این ادعا را که ابتدا توسط علامه مجلسی و سپس علامه بلاغی بدان اشاره شده است؛ در سه جهت مورد بررسی قرار دهد: جامعیت گزاره‌های اخلاقی، تأثیر تاریخی قرآن در ایجاد تحول اخلاقی در جامعه نزول و نظام اخلاقی برتر قرآن کریم. نگارنده در ادامه با بیان مصادیق اعجاز اخلاقی قرآن در سه جانب مذکور، به این نکته رهنمون شده است که قرآن کریم در دو حوزه از اعجاز اخلاقی برخوردار است؛ الف) تحول و انقلاب در ایجاد جامعه‌ای اخلاقی؛ ب) ارائه نظام اخلاقی برتر.

واژگان کلیدی: اعجاز اخلاقی، نظام اخلاقی برتر، تحول اخلاقی، گزاره‌های

اخلاقی.

*. دانش‌پژوه دکتری قرآن و علوم تربیتی، جامعه المصطفی العالمیه (ص) نمایندگی مشهد

مقدس، n1988_110@yahoo.com

** دانش‌پژوه دکتری کلام اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه (ص) نمایندگی مشهد مقدس،

panahi.a2012@yahoo.com

مقدمه

اعجاز علمی قرآن را از دو بعد علوم طبیعی و علوم انسانی می‌توان مطرح نمود. بحث اعجاز قرآن در علوم انسانی شاخه‌های زیادی دارد؛ اعجاز اقتصادی قرآن، اعجاز مدیریتی قرآن، اعجاز تربیتی قرآن و... که یکی از حوزه‌های مهم آن را می‌توان اعجاز اخلاقی قرآن نام برد که نسبت به اعجاز قرآن در علوم طبیعی و اعجاز بیانی قرآن کمتر به آن پرداخته شده است؛ درحالی‌که می‌توان گفت هدف عمده از اعجاز قرآن بیان همین معارف والا و ژرفی است که در ابتدای عصر نزول، مردم را فوج فوج به سمت خود دعوت نمود.

در این نوشتار به بررسی این بعد اعجاز نظر می‌کند، که آیا قرآن نظام اخلاقی برتری ارائه نموده؟ یا تغییر و تحولی اخلاقی در جامعه عصر نزول ایجاد کرده است؟ یا گزاره‌هایی بیان کرده که اعجاز اخلاقی آن را برساند؟ البته باید اعتراف کرد به دلیل ویژگی‌های علوم انسانی، بررسی و اثبات اعجاز در این حوزه نسبت به اعجاز علمی دشوارتر می‌نماید.

لذا تمرکز بحث در این تحقیق بر آیات قرآن و دلالت‌هایی از نظرات مختلف در اثبات این فرضیه می‌باشد و از روش میدانی و کتابخانه‌ای بهره جسته شده است.

پیشینه طرح اعجاز اخلاقی قرآن

مبحث اعجاز اخلاقی قرآن از مباحث نو در علوم انسانی قرآنی می‌باشد که با توجه به بررسی‌های انجام‌شده کتاب یا پایان‌نامه یا پژوهشی که به‌خوبی به ابعاد آن پرداخته باشد یافت نشد. فقط دو مقاله؛ بررسی اعجاز اخلاقی از حجت‌الاسلام محمدجواد اسکندرلو و حجت‌الاسلام اکبر محمودی و مقاله رویکردهای اعجاز اخلاقی قرآن از

حجت‌الاسلام دکتر رضا حق پناه و مهدی عبادی که به صورت مختصر و بیان مصادیق و نمونه‌ای به این موضوع پرداخته بود.

لازم به ذکر است که اعجاز اخلاقی قرآن را در ابتدا علامه مجلسی در بحارالانوار (مجلسی، ۱۷/۲۲۶) و بعد از ایشان علامه محمدجواد بلاغی نجفی در مقدمه تفسیر آلاءالرحمن به معنای اعجاز و وجوه آن که از جمله اعجاز اخلاقی قرآن است، اشاره نموده است؛ اما به شرح و بررسی رویکردها یا چگونگی اثبات این نوع اعجاز نپرداخته است.

مفهوم شناسی

اعجاز

در لغت از ماده «عجز» است و چند معنا برای آن ذکر شده است؛

الف: ضعف و ناتوانی، درنگ کردن و تأخیر داشتن، پایان و مؤخر چیزی، فوت و از دست رفتن (ابن منظور، ج ۹، ص ۵۸؛ جوهری، ج ۳، ص ۸۸۳؛ فراهیدی، ج ۱، ص ۲۱۵؛ راغب اصفهانی، ج ۲، ص ۵۵۳؛ ابن فارس، ج ۴، ص ۲۳۳؛ طریحی، ج ۴، ص ۷۴۷) زیرا آورنده معجزه دیگران را از آوردن مثل آن ناتوان می‌کند و ضعف آنان را برای انجام آن آشکار می‌سازد. با دقت در این معانی می‌توان گفت معنای اصلی ماده عجز «ضعف» است و معانی دیگر به آن باز می‌گردند، چون معنای مذکور، سبب یا نتیجه ضعف آن می‌باشند.

در اصطلاح اعجاز را می‌توان از دو نظر کلامی و قرآنی بیان کرد. در تعریف کلامی؛ اعجاز کاری است که پیامبران برگزیده الهی که مدعی نبوت از جانب خداوند هستند برای اثبات این منصب اموری خارق عادت را که دیگران از انجام مانند آن عاجز هستند را می‌آورند. (ر ک: خوبی، ۳۳؛ بلاغی نجفی، ۳؛ طریحی رماحی، ۱۱۶۸/۲) این مورد بیشتر اعجاز در علوم طبیعی را شامل می‌شود.

اما در تعریف قرآنی؛ بیان قرآن که تمامی مواردی که خداوند از کلماتی چون «بینه، سلطان و...» را شامل می‌شود؛ بیان قانون یا خصوصیت انسانی که در گذشته مطرح نشده و بشر از آن خبر نداشته یا به آن عمل نمی‌کرده است، یا با این جزئیات و کیفیت مطرح نبوده است که بیشتر شامل علوم انسانی می‌شود.

به عبارت دیگر با این گستردگی در تعریف دیگر لازم نیست حتماً معجزه از نوع کلامی و امر خارق‌العاده باشد، بلکه تحول و انقلاب مثبتی که قرآن در عصر نزول به وجود آورده و ارائه نظام برتری که هم مطابق با واقع و فطرت است و هم قابلیت اجرا در همه زمان‌ها؛ خود باعث می‌شود که این نشانه‌ها و آیات نیز معجزه باشند.

اخلاق

کلمه‌ی اخلاق جمع خلق است. این کلمه به معنی سنجیه و طبع و عادت و مروت و دین و سیما و سیره درونی انسان گفته می‌شود. (راغب اصفهانی، ۲۹۷ ص؛ قرشی، ۲۹۳/۲)؛ فیومی، ۱۸۰؛ جوهری، ۱۴۷۱/۴)

در اصطلاح هیئتی است استوار و راسخ در جان آدمی که کارها به‌آسانی و بدون نیاز به تأمل و تفکر از آن صادر می‌شود. این تعریف هم شامل فضایل اخلاقی می‌شود و هم شامل رذایل اخلاقی؛ از این‌رو اگر این هیئت به‌گونه‌ای باشد که افعال زیبا و پسندیده از آن صادر گردد، آن را اخلاق نیک و فضیلت می‌نامند و چنانچه آن هیئت به‌گونه‌ای باشد که موجب صادر شدن افعالی زشت و ناپسند گردد، اخلاق بد و رذیلت نامیده می‌شود. طبق نظر خواجه‌نصیرالدین طوسی در حقیقت خلق اخلاق مربوط به حوزه‌ی عمل و رفتار است، هرچند ریشه در نفس و طبیعت آدمی دارد اما با ممارست و تمرین و هدایت قابل تغییر و جهت‌دهی است (رک: طوسی، ۱۳۷۳ هـ ش، ص ۱۰۱)

اعجاز علمی

اعجاز علمی قرآن را به دو صورت درون متنی و یک صورت برون‌متنی و در مجموع به سه گونه می‌توان تصور کرد:

اول) وجود گزاره‌های علمی در قرآن که شامل اخبار غیبی نسبت به امور طبیعی یا تاریخی باشد و بعد از مدتی کشف و اثبات شود، مثل: خبر قرآن در مورد پیروزی رومیان بر ایرانیان (روم/۲)، یا خبر قرآن در مورد زوجیت عام موجودات «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ»، (ذاریات/ ۴۹).

این‌گونه اعجاز علمی بیش‌تر به‌صورت تفسیر ترتیبی و استخدام علوم در فهم آیات قرآن صورت می‌گیرد.

دوم) استنباط نظام علمی از قرآن در یک رشته خاص که به‌صورت تفسیر موضوعی و استنباطی انجام می‌گیرد، برای مثال نظام و مکتب اقتصادی قرآن (شامل: مبانی اقتصاد، اهداف، قلمرو، اصول، آموزه‌ها و...) و نیز نظام تربیتی قرآن و نظام سیاسی قرآن به صورتی که دانشمندان مکاتب مادی از آوردن مثل آن نظام عاجز باشند؛ یعنی نظامی که قرآن ارائه می‌کند، کارآمدتر، جامع‌تر و منسجم‌تر است؛ به صورتی که تمام ابعاد جسمی و روحی بشر را در برمی‌گیرد که مطابق با فطرت است و مقطعی نیست، بلکه در تمامی زمان‌ها کاربرد دارد؛ لذا نتایج بهتری در سعادت بشر دارد.

سوم) اعجاز علمی برون‌متنی، یعنی نقش تاریخی قرآن در تحول مردم از زاویه یک علم خاص مورد نظر باشد، مثل نقش قرآن در تحول جامعه عرب جاهلی (با خصوصیات جهل و خرافه‌پرستی، شرک و دخترکشی، انحراف‌های اخلاقی، جنگ‌طلبی، تعصب و...) به جامعه متمدن، در کمتر از دو قرن، یعنی نقش قرآن در تحول اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... در عینیت جامعه؛ به صورتی که دیگران از آوردن مثل آن تحول در آن مدت کوتاه عاجز باشند. این‌گونه از اعجاز علمی قرآن با مطالعه فرهنگ قرآن و فرهنگ عرب جاهلی قبل از اسلام و مطالعه تاریخ مسلمانان و تحلیل تحول‌های فرهنگی و علمی آن‌ها به دست می‌آید. (رک: رضایی، ج ۱).

باید متذکر بود که لازم نیست در زمینه هر علمی، هر سه گونه وجود داشته باشند؛ هر چند که گونه اول (گزاره‌های علمی) بیش‌تر در علوم طبیعی و دو گونه دیگر، بیش‌تر در علوم انسانی ادعا شده است و کاربرد دارد.

اعجاز اخلاقی

از جمله وجوه اعجاز در معارف والا و ژرف قرآن، اعجاز اخلاقی است. قرآن عالی-ترین آموزه‌های اخلاقی و انسانی همچون عدل، احسان، انفاق، امانت، پاک‌دامنی، مبارزه با ظلم و... را در قالب یک نظام منسجم و کارآمد در عصری که مردم آن در تاریکی و جهل به سر می‌بردند؛ ارائه کرد و تحول و انقلابی اخلاقی در مردم آن عصر ایجاد نمود که هم‌اکنون نیز این مضامین والای اخلاقی مایه حیات و نجات‌بخش انسان‌ها است. لذا باید اعتراف کرد که چنین کار اعجاز آمیزی از عهده بشر عادی خارج است.

گوستاولوبون درباره اخلاق ارائه شده در قرآن می‌گوید: «تعلیمات اخلاقی قرآن نتیجه مبادی اخلاق کریمه است» (دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۱، ص ۱۰۱۶) در این نوشتار به بررسی اعجاز اخلاقی قرآن با توجه به رویکردهای اعجاز علمی قرآن یعنی؛ اعجاز در گزاره‌های اخلاقی، اعجاز در تحول و ایجاد انقلاب اخلاقی و اعجاز در ارائه نظام اخلاقی برتر پرداخته است.

مفاهیم پیش‌نیاز

فلسفه‌ی اخلاق

یکی از مباحث پرمناقشه در گفتمان مربوط به حوزه‌ی اخلاق، آرا و اندیشه‌های متکثر مربوط به ساحت فلسفه‌ی اخلاق است. به‌طور کلی فلسفه‌ی اخلاق شاخه‌ای از فلسفه است که ریشه‌ی اتصاف افعال به خوب و بد یا درست و نارسست را مورد بررسی قرار می‌دهد.

فلسفه اخلاق در واقع نوعی اخلاق شناسی است که مبادی اخلاق هنجاری را مورد بررسی قرار می‌دهد. مثلاً در اخلاق گفته می‌شود راست‌گویی خوب است اما پرداختن به این امر، اتصاف راست‌گویی به‌خوبی به چه معناست و از کجا نشأت می‌گیرد در فلسفه اخلاق ملاحظه می‌گردد. مباحثی که در اندیشه‌های اخلاقی از واقعیت‌ها و هستی‌های محمول اخلاق سخن به میان می‌آورد و یا گفتمانی که به‌عنوان مبادی تصویری این ماهیات و حقایق بسیط اخلاقی مطرح و بررسی می‌گردد، همه در شمار فلسفه اخلاق است و از حوزه‌ی مسائل علم اخلاق بیرون است. اما قضایایی مانند دروغ گفتن زشت است یا راست‌گویی نیکوست همه از گروه مسائل علم اخلاق است و نمی‌توان آن‌ها را زیر عنوان فلسفه‌ی اخلاق قرار داد. (حائری یزدی، ۱۳۶۱، ص ۱۱)

علم اخلاق

برای علم اخلاق تعاریف متفاوتی بیان شده است که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. برخی علم اخلاق را علم چگونگی اکتساب اخلاق نیکو دانسته‌اند که بر اساس آن، افعال و احوال شخص نیکو می‌شود. (طوسی، بی‌تا، ص ۱۴)

ب- برخی بر اساس همان معنای لغوی اخلاق به تعریف علم اخلاق پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال علم اخلاق به «علم آگاهی و اطلاع از عادات و آداب و سجایای بشری» تعریف شده است. (ژانه، ۱۳۷۳، ص ۵۳)

ج- همچنین مرحوم نراقی در جامع السعادات می‌گوید: «علم اخلاق دانش صفات (ملکات) مهلکه و منجیه و چگونگی موصوف شدن و متخلق گردیدن به صفات نجات‌بخش و رهایی از صفات هلاک‌کننده است. (نراقی، ۱۳۶۸ ق، ص ۳۴) و ملا محسن فیض کاشانی نیز علم اخلاق را علمی می‌داند که به‌وسیله آن از حالات مختلف قلب چه پسندیده یا ناپسند آگاهی می‌یابیم. (فیض کاشانی، بی‌تا، ص ۳۱)

لذا می‌توان گفت: اخلاق عبارت است از: روش و منش چه نیک و چه بد و علم اخلاق؛ یعنی دانش به این روش‌ها و منش‌ها و این‌که کدامشان باید مورد عمل قرار گیرد و به عبارتی تفاوت اخلاق و علم اخلاق، تنها در صحنه نظریه‌پردازی و عملکرد بوده و بر این اساس، سخن از جامعیت هر کدام نسبت به دیگری معنایی نخواهد داشت.

رویکردهای اعجاز اخلاقی قرآن

در مورد اعجاز اخلاقی قرآن کریم سه رویکرد را می‌توان تصور کرد: (۱) اعجاز در گزاره‌های اخلاقی قرآن؛ (۲) اعجاز در ایجاد انقلاب و تحول اخلاقی؛ (۳) اعجاز در استنباط نظام برتر اخلاقی از قرآن.

(۱) اعجاز در گزاره‌های اخلاقی قرآن

منظور آن گزاره‌های اخلاقی است که قبل از قرآن مطرح نبوده و بعد از قرآن حقیقت آن‌ها کشف شده است که نوعی رازگویی اخلاقی قرآن به شمار می‌آید. آیات قرآن کریم که شامل گزاره‌های اخلاقی می‌باشد فراوان است که این نوشتار مجال بیان همه آن‌ها نمی‌باشد لذا به ذکر دو نمونه از سوره اسراء که فضایی اخلاقی دارد از میان اقیانوس آیات رحمت بسنده می‌شود.

۱_ اخبار قرآن از برخی صفات انسانی؛ خداوند متعال در آیه یازدهم سوره اسراء می‌فرماید: «وَاذْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا»؛ انسان بر اثر (شتاب‌زدگی) بدی‌ها را طلب می‌کند آن‌گونه که نیکی‌ها را می‌طلبد و انسان همیشه عجول بوده است. این آیه در مقام اشاره به اصل عجله و شتاب‌زدگی در انسان و اثر آن در خیرات و شرور است و نوعی رازگویی قرآن در حوزه صفات و سرشت انسانی است که گزاره‌های اخلاقی متعددی می‌توان از آن استخراج نمود، مانند:

الف- نهی از عجله و شتابزدگی: عجله حالتی است در دل که به مجرد خطوط امر در ذهن، انسان بی‌درنگ و بدون تأمل پیرامون آن اقدام کند که این حالت از لوازم ضعف نفس و از دام‌های بزرگ شیطان است (نراقی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۲۲). عجله صفتی است که در آن رابطه فرد با خودش مطرح است لذا در حوزه اخلاق فردی جای دارد. نکته‌ای که در تبیین این صفت باید بدان اشاره شود، مسئله علم است. در حقیقت سرچشمه شتاب در انسان، جهل و عناد و تعصب است که این امر درست نقطه مقابل بصیرت و علم می‌باشد، لذا با عنایت به این توضیح باید گفت که عجله از آفات فکر و عمل بشر است. معیار تشخیص خیر، لذت نیست بلکه مطابقت با فطرت و عقل است اساساً تهذیب اخلاق برای این است که انسان هم در تحلیل مفاهیم عقلی به مقصد برسد و هم در تطبیق این معانی بر مصداق‌ها اشتباه نکند (رک: فلسفی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۲۳).

ب- تأکید بر خیر گرایی فطری انسان: نکته دیگر در تبیین آیه این است که تشبیه شر خواهی انسان به خیرخواهی او، نشانه آن است که انسان در اصل و فطرتاً خیر گرا می‌باشد (قزائتی، ۱۳۸۳، ص ۲۶). در روان انسان نیرویی به نام نیروی جلب نفع و دفع ضرر نهاده شده و از آنجایی که انسان در بکار بردن این دو نیرو افراط می‌نماید و بجای اینکه از رذایل خلقی خودداری کند از کسب فضیلت امتناع می‌ورزد.

ج- عجله مانع تأثیر هدایت‌گری قرآن: باید توجه داشت که ارتباط ظریفی بین هدایت‌گری قرآن و صفت عجله در انسان می‌باشد. خداوند پیش از این آیه، از هدایت‌گری قرآن برای کسانی که آراسته به علم و حکمت و عمل صالح‌اند، سخن گفته و بلافاصله از عجله که هم از آفات فکر است و هم عمل سخن رانده است. این آیه

رهنمون به این مسئله است که آنان که به هدایت استوار قرآن راه نیابند، شتابزده سراغ شر خواهند رفت.

علامه طباطبایی در این میان معتقد است علت اینکه خداوند از عجل بودن انسان در این آیه سخن گفته این است که می‌خواهد بگوید انسان به خاطر آن قریحه استعجالی که دارد، آن‌طور که باید قدر نعمت هدایت الهی را نمی‌داند و قرآن کریم که کتاب هدایت اقوام است با کتب دیگر در نزدش یکسان می‌باشد لذا بین خیر و شر تفکیک قائل نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۳۹۷ ق، ج ۱۳، ص ۶۹)

د- آرامش و عوامل آن: از جمله خصلت‌هایی که در هنگام عجله در انسان از بین می‌رود آرامش و طمأنینه است. خداوند در کنار اینکه انسان را از این صفت در کارها نهی می‌کند، به سکینه و طمأنینه در امور دعوت می‌کند؛ که علم و ایمان و امید را می‌توان از عوامل آن بیان کرد.

۱- نقش علم و آگاهی در ایجاد طمأنینه: در باب علم و تأثیر آن در جلوگیری از پدیدار شدن صفت عجله در انسان، باید عمل توأم با علم و آگاهی و بصیرت و بینایی و تفکر باشد تا سبب خسران و وزر و وبال نگردد که مکرر آیاتش در سوره اسراء آمده است و بیان می‌کند که اثر و نتیجه عمل آدمی به خود او بازگشت دارد و از مصادیق آن آیه «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أُحْسِنْتُمْ لِيَأْتِيَنَّكُمْ وَ إِنْ أَسَاءْتُمْ فَلَهَا» (الاسراء / ۷) است.

انسان اگر ارتباط عجله را با میل و قدرت به فعلیت درآوردن آن در سیاق آیات سوره اسراء ملاحظه کند، متوجه این مهم می‌شود که انسان به مجرد اینکه عملی را موردعلاقه و مطابق میلش یافت و قدرتش را بر انجام آن نیز مناسب دید، باید بداند این عمل صرفاً اخلاقی نیست و انسان مجاز به انجامش نمی‌باشد و ممکن است چنین استدلال کند که خداوند این اراده و قدرت را به او داده پس چرا بر انجام افعال کندی نماید.

۲- نقش ایمان در ایجاد طمأنینه: صفت مقابل عجله، اطمینان نفس و تأمل در گفتار و کردار است که قبل از اقدام به امری آن را توقف و تأمل و بعد از آن را تأنی و انانت نامند. سکینه نفس که ملکه‌ای است ستودنی و از اخلاق حسنه و صفات انبیاء می‌باشد، حاصل ایمان و یقین است و وجود اختیار در انسان با شرط بکارگیری ایمان باعث سعادت دنیا و آخرت می‌گردد. قابل ذکر است که ضعف نفس از نتایج صفت «جبن» به معنی ترس است و از صفات خبیثه به شمار می‌رود. طبق آیه مورد بحث، صاحب این صفت با ذلت خواری و کناره جستن از کارهای بزرگ و مسامحه در امر به معروف و نهی از منکر ملازم است (نراقی، ۱۳۶۶، ص ۳۲۱-۳۱۹). لذا چنین انسانی باید بداند ثبات و پایداری اخصّ از بزرگی نفس است که باید بدان اهتمام ورزید.

۳- نقش امید و رجاء در ایجاد طمأنینه: پیام اخلاقی مهم دیگر در آیه، امیدواری به رحمت خداوند است که در اصطلاحات اخلاقی به آن «رجاء» گفته می‌شود و نقطه مقابل «یأس» است که زمینه کفر می‌باشد. لزوم اهمیت صفت رجاء تا چائی است که انسان با عبور از مرحله رجاء، به مرحله طمأنینه می‌رسد که در همین آیه به آن پرداخته شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۳۰۲).

نکته مهم اینکه انسانی می‌تواند رجاء و امیدواری به رحمت خداوند داشته باشد که پیش‌تر مقدمات آن را فراهم کرده باشد. مقدماتی که یکی از آن‌ها برطرف نمودن رذیله اخلاقی عجله و شرخواهی در انسان است که برخلاف قانون و سنّت الهی و بر مدار لطف و رحمت می‌باشد. نکته مهم در مورد خیر گرا بودن انسان در این است که این طلب نباید بر اساس لذّت حسی و سودهای دنیایی باشد بلکه باید عقلانی باشد، یعنی عقل، خیر بودن آن را تشخیص دهد. عقل نیز این کار را توسط وحی باید انجام دهد.

۲- اعجاز اخلاقی‌ایه قول میسور: در آیه ۲۸ این سوره خداوند می‌فرماید: «وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا» و هرگاه از آنان [مستمندان]

روی برمی‌تابی و انتظار رحمت پروردگارت را داری (تا گشایشی در کارت پدید آید و به آن‌ها کمک کنی)، با گفتار نرم و آمیخته با لطف با آن‌ها سخن بگو. در این آیه شریفه که در حقیقت تکمیل آیه سابق آن «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» است، به دنبال این است که یکی از موارد برخورد مناسب با افراد و آداب اسلامی را بیان نموده که زیر مجموعه مباحث شروط انفاق و اعراض از آن، می‌باشد. برخی از گزاره‌های اخلاقی برداشت شده از آیه فوق به شرح ذیل است:

الف- لزوم احترام به حقوق مردم: هنگامی که وضعیت انسان به گونه‌ای نیست که بتواند انفاقی داشته باشد، برخورد مناسب و اخلاقی این است که همراه با قول و کلام آسان و راحت باشد چنانکه منظور از عبارت «قَوْلًا مَّيْسُورًا» هرگونه سخن و رفتار نیک توأم با محبت را شامل می‌شود. آیت‌الله مکارم شیرازی در تبیین مفاهیم اخلاقی‌ایه می‌گویند: «اساساً تقاضای سائل حقی را بر سؤال شونده ایجاد می‌کند که در صورت نبودن امکانات برای پاسخ‌گویی و انفاق به سائل، بر اساس مضمون آیه باید با سخن نرم و سنجیده و ملایم اعراض نماید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۸۹). به عبارت دیگر یکی دیگر از شروط انفاق این است اصل رعایت احترام به شخصیت افراد چه در هنگام انفاق کردن و چه در هنگام اعراض کردن می‌بایست رعایت شود تا صدمه‌ای به شخصیت دیگران وارد نسازد.

ب- نقش کلام نیکو در گشایش و وسعت روزی: نعمت بیان و گفتار در دین مبین اسلام به جهت رشد و تکامل انسان آن‌قدر حائز اهمیت است که خداوند در قرآن کریم بلافاصله بعد از اشاره به خَلْق نمودن قرآن، تعلیم و آموزش نعمت بیان و گفتار را مطرح کرده و آن را نعمتی از جانب خودش معرفی می‌کند: «الرَّحْمَانُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ. خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن/۱-۴)

علامه طباطبایی در رابطه با این آیه معتقد است سیاق آیات نشان می‌دهد که گفتار درباره انفاق مالی بوده و به یک نکته مهم اخلاقی در رابطه با نحوه برخورد با فقرا و

مساکین اشاره دارد و می‌گوید: «از آنجاکه گاهی مسکینی به انسان رو می‌آورد و امکاناتی برای پاسخ‌گویی به نیاز او در اختیارش نیست، این آیه طرز برخورد صحیح با نیازمندان را در چینی شریطی بیان کرده است» (طباطبایی، ۱۳۹۷، ق، ج ۱۳، ص ۱۱۴).

ج- امیدواری به رحمت خداوند: امیدواری و رجاء به‌عنوان یکی از موضوعات اخلاقی، وقتی صدق می‌کند که انسان اسباب و وسایل تحقق آن را تماماً در خود فراهم نموده باشد. این مطلب بدین معناست که انسان باید رحمت و غفران پروردگار را با عمل خاصی که زمینه و وسیله آن را فراهم می‌کند و ترک گناهایی که آن زمینه و وسیله را از میان برمی‌دارد، توأم سازد. (غروی، ۱۳۷۷، ص ۲۳) انسان باید بداند خدایی که انسان را آفریده و به او تعلیم داده او را تنها نمی‌گذارد؛ پس همیشه برای جلب رحمت الهی تلاش کند.

د- همراهی تلاش و امید: تلاش و امید در انسان باید همواره در کنار هم باشند تا منشأ اثر واقع شده و منجر به کارکردهای خاص خود شوند که نشانه بارز آن، امید به خدا و روز قیامت است که باعث انجام دادن اعمال صالح و شرک نوزیدن می‌شود. همچنین خداوند در آیه دیگری از قرآن به کسانی که بر خود ستم و اسراف نموده‌اند می‌فرماید که: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ» (الزمر/۵۳)

باید توجه داشت کامیابی و رستگاری انسان بدون تلاش اختیاری تحقق پذیر نیست و انسان تنها با سعی و تلاش خویش می‌تواند به مطلوب نهایی خود برسد و دیگران نمی‌توانند سرنوشت او را تغییر دهند. از نوع بیان خداوند نیز به‌خوبی پیداست که انسان را با بیان بازگشت هرگونه نتیجه اعمال به خودش منحیر گذاشته در احسان نمودن یا بدی کردن (شریفی، ۱۳۸۹، ص ۹۶).

نتیجه اول

به نظر می‌رسد آیات مذکور و همچنین دیگر آیات مشتمل بر گزاره‌های اخلاقی را به‌صراحت نمی‌توان اعجاز اخلاقی قرآن نامید، به این معنا که قبل از قرآن مطرح نبوده

چرا که در دیگر مکاتب و آیین‌ها می‌توان مشابه این موارد را یافت. نهایتاً می‌توان گفت قرآن رازگویی‌هایی در بیان این اخبار و گزاره‌ها داشته است.

۲) اعجاز در تحول اخلاقی و ایجاد انقلاب

قرآن کریم در زمینه‌هایی همچون عقاید، احکام، اخلاق رذیله دوران جاهلی تأثیرگذار بوده است و انقلاب‌هایی به وجود آورد که از جمله آن تحول اخلاقی است که می‌توان به اندک نمونه‌های زیر اشاره نمود:

الف - سبقت جویی در کار خیر: قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ». (بقره / ۴۸)

ب - وفای به عهد: قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا». (اسرا / ۳۴)

ج - میانه‌روی: قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ». (لقمان / ۱۸)

د - صابر و صادق بودن: قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّا أَمْنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». (آل عمران / ۱۶)

با بررسی نقش تاریخی قرآن در تحول اخلاقی مردم عصر نزول قرآن با عصر جاهلیت، متوجه اعجاز اخلاقی قرآن در این رویکرد خواهیم شد، با توجه به این نکته که قرآن لفظ جاهلیت را برای مردم قبل از بعثت بکار برده اما محدوده زمانی آن را مشخص نکرده است. (رک: جعفریان، ص ۷۴) در تاریخ به برخی رذایل اخلاقی مردم جاهلیت اشاره شده است، از جمله؛ دزدی، تعصب کورکورانه، زنا، شرب خمر، غارتگری، افتراء و ...

به‌عنوان نمونه می‌توان به گفت‌گویی تاریخی جعفر بن ابی‌طالب با نجاشی در زمان هجرت اشاره نمود. زمانی که نجاشی از مسلمانان که به حبشه پناه آورده بودند پرسید

که این چه دینی است که به خاطر آن دست از کیش و دیار خود کشیده‌اید و جعفر بن ابی طالب به‌عنوان نماینده چنین پاسخ داد: پادشاه! ما مردمی نادان و بت پرست بودیم، از خوردن مردار خودداری نمی‌کردیم، و از فحشاء روگردان نبودیم. با خویشان خود به نیکی رفتار نمی‌کردیم، و احترام همسایگان را نگاه نمی‌داشتیم. زورمندان ما سعی در نابودی ضعفا دارند و حق یکدیگر را رعایت نمی‌کردیم و... ما چنین بودیم تا در این وضع تأسف‌انگیز و دنیای تاریک خداوند عالم پیغمبر در میان ما برانگیخت که نسب و صداقت و امانت و پاکی او را به‌خوبی می‌شناختیم. او ما را به پرستش خداوند یکتا و اطاعت او و ترک آنچه خود و پدرانمان می‌پرستیم فراخواند و... (رک: دوانی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۸) همچنین نمونه‌های فراوانی که مقاله حاضر گنجایش بیان آن‌ها را ندارد. بنابراین قرآن با ارائه مدل‌های عالی اخلاقی توانست رذایل اخلاقی عرب جاهلی را به فضایل اخلاقی از قبیل: عفو و گذشت، رعایت انصاف و عدل، تواضع، همدلی، یتیم‌نوازی و کمک به نیازمندان، دفاع از مظلومان و... تبدیل کند و با چنین انقلابی موفق به ایجاد تحول اخلاقی در مردم عصر نزول گردید.

نتیجه دوم

طبق بررسی انجام‌شده در مقایسه اخلاقی مردم عصر نزول قرآن با قبل از نزول (عصر جاهلیت) می‌توان گفت قرآن در ایجاد انقلاب اخلاقی مردم عصر نزول اعجاز دارد، همچنان که تاکنون آیات قرآن مایه‌ی هدایت و احیای قلوب جوامع بوده است.

۳) اعجاز در ارائه نظام اخلاقی برتر از قرآن

در قرآن کریم، ما با دو دسته از مفاهیم عام اخلاقی مواجه هستیم. دسته نخست گرچه دارای ارزش اخلاقی فی حد ذاته نیستند، اما در افعال اخلاقی به کار می‌روند و محمول برای افعال اخلاقی قرار می‌گیرند. واژگانی از قبیل هدایت و ضلالت، معروف و منکر، اطاعت و عصیان از این گونه‌اند. دسته دوم مفاهیم عامی هستند که دارای ارزش اخلاقی‌اند، اما محدود به یک یا چند فعل اخلاقی نیست، بلکه دامنه آن تمامی افعال

اخلاقی یا بخش وسیعی از آن را فرامی‌گیرد. عناوینی از قبیل خیر و شر، نور و ظلمت، حق و باطل، برّ و فجور، تقوا، صبر، احسان و عدل یا ظلم، و ... (مصباح یزدی، ۹۴/۱ - ۵۲)

در آموزه‌های قرآنی، غایات اخلاقی، در چند سطح مطرح‌اند. این سطوح، طبعاً دانش اخلاق متفاوتی را ایجاد می‌کند:

الف) تأثیرگذاری‌های فردی - اجتماعی دنیوی: در آیات متعدد، از نتایج مثبت افعال اخلاقی یا پیامدهای اجتماعی اعمال غیراخلاقی سخن به میان آمده است. از جمله درباره مضرات شراب‌خواری و قماربازی می‌خوانیم: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ» (مانده/۹۱) «شیطان می‌خواهد با شراب و قمار، در میان جامعه، بذر عداوت و نفرت را پراکنده سازد».

ب) تأثیرگذاری‌های معنوی - دنیوی: زیست اخلاقی، زمینه‌ساز شکوفایی «خود متعالی» است و در نقطه مقابل، رفتار ضد اخلاقی به هبوط وجودی منتهی می‌شود. در آموزه‌های قرآنی، بخش مهمی از پیامدهای رفتار و ملکات اخلاقی، در چنان پیامدی تفسیر شده است. به‌عنوان نمونه، رباخواری در قرآن کریم در تصویر «انسانی جن‌زده» ترسیم شده است «الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» (بقره/۲۷۵)؛ کسی که هویت انسانی و ادراکی خویش را باخته و هذیان‌گونه، سخن می‌گوید و عمل می‌کند.

ج) آثار پس از مرگ: ادیان آخرت‌گرا - و از جمله اسلام - بخش مهمی از پیامدهای رفتار اخلاقی را در نتایج و عواقب آن در جهان آخرت می‌دانند؛ پیامدهایی که به بهشتی یا دوزخی شدن می‌انجامد و انسان را در درجات و یا هلکات آن دو متمم و یا معذب می‌سازد.

در آموزه‌های قرآنی، علاوه بر پررنگ بودن این سطح از غایات اخلاقی، مقوله‌ای به نام «تجسم اعمال» نیز مطرح است. در این نظریه، تمامی افعال اخلاقی و یا حداقل بخشی از آن، صورت متفاوت برزخی و اخروی دارد و ملکات و رفتارهای اخلاقی یا

ضد اخلاقی، تصویری متناسب با خود را بر انسان تحمیل می‌کنند و صورت‌های نوپدید، لذت‌ها و یا آلام خود را می‌آفرینند و انسان در روز قیامت، نه پاداش و مکافات عمل، که صورت اخروی عمل را می‌بیند و مجذوب آن می‌شود و یا از آن می‌گریزد؛ «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحَضَّرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا» (آل عمران/ ۳۰ و آیات دیگر). (برای تفصیل بیشتر ر.ک: جوادی آملی، ۴۷/ - ۹۶)

در نظام ارزشی قرآن، سلسله‌مراتب اخلاقی وجود دارد، چه اینکه در مواردی، به مقایسه ضد ارزش‌ها پرداخته و برخی را نابهنجارتر معرفی می‌کند؛ مانند (وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ) (بقره/ ۲۱۷). و یا در نام بردن از ضدارزش‌های اخلاقی، به تناسب سنگینی خطا و لغزش، واژگان متفاوتی در قرآن کریم به کاررفته است؛ اصطلاحاتی از قبیل: ذنب، جرم، اثم، نقل، سیئه، عصیان، طغیان، وزر، خطاً، فاحشه، فجور، منکر و...

همچنین طبقه‌بندی روشنی از گونه‌های گناه و لغزش‌های اخلاقی، در سه طبقه صورت گرفته است: گناهان کبیره، گناهان صغیره و لغزش‌های کوچک (لمم). طبقه‌بندی گناهان کبیره و صغیره، از چند آیه کریمه برداشت شده است، از جمله (وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ) (شوری/ ۳۷)، (إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ) (نساء/ ۳۱) و ...

ویژگی‌های نظام اخلاقی قرآن

۱- شمول نظام ارزشی قرآن: نظام ارزشی و اخلاقی قرآن، نظامی عام و فراگیر است، یعنی هیچ مسئله‌ای از مسائل زندگی انسان نیست که تحت پوشش ارزش‌های اخلاقی قرآن و اسلام قرار نگیرد درحالی‌که دایره ارزش‌ها در بسیاری از مکتب‌های دیگر تنگ و محدود است و عمدتاً منحصر به ارزش‌های اخلاقی‌ای است که در محیط اجتماعی مطرح می‌شود.

۲- انسجام درونی: به مجموعه‌ای «نظام» گفته می‌شود که تمامی اجزاء و عناصر آن با یکدیگر ارتباط و انسجام داشته و هدف واحدی داشته باشند. در بسیاری از مکاتب اخلاقی، چنین پیوند درونی مشهود نیست؛ مثلاً در نظام‌های متفاوت، متغیرهایی از قبیل

پول داشتن، قهرمان بودن، علم داشتن و امثال آن را به‌عنوان ارزش تلقی می‌کنند، درحالی‌که بین آن‌ها انسجامی مشهود نیست و تنها یک مجموعه ساختگی است و از طرف دیگر، طرح ارزش‌های جدید و طرد سایر ارزش‌ها به‌طور مداوم و تغییر و تحول همیشگی در این مکاتب، از این واقعیت پرده برمی‌دارد که نظام ارزشی آن‌ها علاوه بر عدم انسجام، ملاک معقول و منطقی ندارد، بلکه تابع میل و هوس مردم است، اما بین ارزش‌های اسلامی آن‌چنان ارتباط معقول و منطقی وجود دارد که می‌توان این مجموعه را به‌صورت درختی با ریشه‌ای قوی و مستحکم ترسیم کرد که شاخه‌های اصلی و فرعی دارد که جهت حرکت تمامی آن‌ها به سمت بالاست.

۳_ قابلیت تبیین عقلانی: تبیین عقلانی ارزش‌ها فقط زمانی ممکن است که بتوان رابطه بین ارزش‌ها و واقعیت‌ها را کشف کرد. اگر ارزش‌ها تابع قرارداد و امیال باشند، هیچ رابطه منطقی و عقلی نمی‌توان برای آن‌ها ثابت کرد. در قرآن که به وجود نیازهای فطری در انسان قائل است و برای رسیدن انسان به آن هدف‌ها و افعال اخلاقی را واسطه می‌داند، پس می‌توان رابطه عقلانی بین اهداف و افعال را کشف کرد. اما نظریه‌پردازان بسیاری از مکاتب اخلاقی معتقدند که ارزش‌ها تنها از پشتوانه فلسفی برخوردار نیست بلکه اساساً در برابر تعقل قرار می‌گیرد. وادی ارزش‌ها را احساسات می‌دانند که مقوله‌ای جدا از تعقل و استدلال است.

۴_ ترکیبی از ملاک‌ها: در بررسی مکاتب اخلاقی مشاهده می‌شود که تقریباً همه این مکاتب، فقط به یک بعد از ابعاد انسان پرداخته‌اند و از سایر ابعاد غفلت کرده‌اند. نظریاتی مانند لذت‌گرایی، سودگرایی، وجدان‌گرایی، قدرت‌گرایی و امثال آن تنها بر یک بعد از ابعاد انسان تکیه کرده و آن را به‌عنوان معیار ارزش اخلاقی ذکر کرده‌اند. اما نظام قرآن با محور قرار دادن خداوند، محاسن و ویژگی‌های مثبت همه مکاتب را یکجا جمع کرده است.

۵_ **حسن فعلی و فاعلی:** معمولاً در مکاتب اخلاقی، معیار قضاوت در مورد ارزش دانستن یا بی‌ارزش بودن یک رفتار، نفس عمل و نتایج آن (حسن فعلی) است، بدون انتساب به فاعل و انگیزه او (حسن فاعلی)، اما در نظام قرآن تنها معیار حسن فعلی نیست، بلکه باید حسن فاعلی را نیز مدنظر قرار گیرد. لذا در بسیاری آیات «امنو» حسن فاعلی و «عملوا الصالحات» حسن فعلی کنار هم ذکر شدند و ارزش رفتار را ناشی از هر دو می‌دانند. (رک: مصباح یزدی، ص ۳۵۲)

لذا با توجه به این ویژگی‌ها می‌توان «اخلاق قرآنی» را متمایز و متفاوت از مکاتب اخلاق بشری تحلیل کرد و در مفاهیم و عمل، به نتایجی ره برد که با اندوخته‌ها و داده‌های اخلاق متداول، تفاوت‌های آشکاری داشته باشد. (برای مطالعه بیشتر به کتاب نقد و بررسی مکاتب اخلاقی آیت‌الله مصباح مراجعه کنید که مکاتب اخلاقی را بررسی و برتری نظام اسلام را ثابت نموده است.)

نتیجه سوم

با در نظر گرفتن ویژگی‌های نظام اخلاقی قرآن و بررسی تطبیقی آن با نظام‌های اخلاقی موجود می‌توان به این حقیقت پی برد که قرآن دارای نظام اخلاقی ویژه‌ای است که برتری و جامعیت اعجاز گونه بر دیگر مکاتب اخلاقی دارد.

جمع بندی

اعجاز اخلاقی قرآن که از جمله وجوه اعجاز در علوم انسانی قرآن می‌باشد از مباحث نوپدید می‌باشد که نسبت به وجوه دیگر اعجاز قرآن (اعجاز اقتصادی، تربیتی و...) کمتر به آن پرداخته شده است. با توجه به آیات اخلاقی قرآن و رویکردهایی که بیان شد می‌توان اعجاز قرآن را در ایجاد تحول و انقلاب اخلاقی و ارائه نظام اخلاقی برتر از قرآن را پذیرفت. اعجاز در گزاره‌های اخلاقی را به صراحت نمی‌توان قبول کرد، نهایت می‌توان رازگویی قرآن را در گزاره‌ها پذیرفت.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن فارس بن زکریا، أبی الحسین أحمد، *معجم مقاییس اللغة*، المحقق، عبد السلام محمد هارون، اتحاد الكتاب العرب، بی جا، ۱۴۲۳ ق
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: انتشارات دار صادر، ۱۴۱۴ ق
۳. بلاغی، محمدجواد، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، محقق: بنیاد بعثت، واحد تحقیقات اسلامی، قم، نشر وجدانی، بی تا
۴. جعفریان، رسول، *تاریخ سیاسی اسلام (سیره رسول خدا)*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳
۵. جوادی آملی، عبدالله، *مبایء اخلاق در قرآن*، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۸۵
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، *تاج اللغة و صحاح العربیة*، محقق احمد عبدالغفور عطار، بیروت- لبنان، دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ ق
۷. حائری یزدی، مهدی، *کاوشهای عملی*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۱ هـ ش
۸. خویی، آیت الله سید ابوالقاسم، *البيان فی تفسیر القرآن*، المطبعة العلمیة، قم، ۱۳۹۴ ق
۹. دوانی، علی، *تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت*، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۸۹.
۱۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، *مفردات فی غریب القرآن*، المكتبة الرضویة، تهران، ۱۳۳۲ ش

۱۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی، قم، ۱۳۸۶ هـ ش، چ دوم
۱۲. ژانه، پیر، اخلاق، ترجمه بدرالدین کتابی، اصفهان، انتشارات آموزش و پرورش، ۱۳۷۳
۱۳. سالم، عبدالعزیز، تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه باقر صدری نیا، بی‌جا، نشر علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۹۱
۱۴. شریفی، عنایت‌الله، «کارکردهای دین در اخلاق»، فصلنامه قیاسات، تهران: انتشارات راه دین، شماره ۵۶، ۱۳۸۹
۱۵. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۷ ق
۱۶. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۳ ق
۱۷. الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، ترجمه سید احمدالحسینی، ج ۵، انتشارات مرتضوی ۱۳۶۲ هـ ش
۱۸. طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، بی‌جا، انتشارات خوارزمی، چاپ پنجم، ۱۳۷۳
۱۹. غرویان، محسن، فلسفه اخلاق از دیدگاه اسلام، تهران: مؤسسه فرهنگی یمین، ۱۳۷۷
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، محقق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، گردآورنده: محسن آل عصفور، قم، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ ق
۲۱. فلسفی، محمد، شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق، قم: انتشارات دارالثقلین، ۱۳۸۲
۲۲. فیض کاشانی، ملا محسن، محجة البیضا، تهران، انتشارات اسلامی، بی‌تا

۲۳. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی، قم، منشورات دار الرضی، بی تا
۲۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳
۲۵. قرشی، سید علی‌اکبر، قاموس قرآن، ج ۲، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش
۲۶. مجلسی، محمدتقی، بحار الانوار، المکتبۃ الاسلامیة، تهران، ۱۳۸۵ هـ ق
۲۷. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگنامه علوم قرآنی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی؛ اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش از محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶ ش
۲۹. همان، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴ ش.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (با همکاری جمعی از نویسندگان)، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۶۴ ش.
۳۱. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبیوی، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۶۶ ش.
۳۲. نراقی، محمد مهدی، معراج السعادة، تهران: انتشارات دهقان، ۱۳۸۲ ش.